

مهدی سامع

شق القمر مجلس از تجاع

مجلس ارتجاع در روز دوشنبه ۸ بهمن، دربررسی شور دوم لایحه اصلاح قانون انتخابات، نظارت استصوابی شورای نگهبان برانتخابات را که در مجلس پنجم ارتجاع تصویب شده بود را حذف کرد و ماده یک لایحه به این شرح به تصویب رسید: «به موجب اصل ۹۹ قانون اساسی، نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی براساس مفاد این قانون برعهده شورای نگهبان است.»

محسن آرمین در مخالفت با طرفداران ذوب در ولایت که خواستار حذف ماده یک اصلاحی از لایحه بودند گفت: «ماده یک اصلاحی، اصل لایحه است زیرا آنچه که باعث تهیه و تنظیم لایحه اصلاح قانون انتخابات شد، حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان بود.»

وی با استناد به اصل ۹۹ قانون اساسی گفت: «نظارت بر انتخابات مجلس، خبرگان و ریاست جمهوری با شورای نگهبان است اما مسأله نظارت با بررسی و تشخیص صلاحیت داوطلبان خلط شده است در حالی که قانون اساسی آنها را از یکدیگر تفکیک کرده است.»

رجب رحمانی نماینده ارتجاع از تاجیکستان در تأیید نظارت استصوابی شورای نگهبان به کتاب تحریرالوسیله خمینی و توجه ویژه او به نظارت استصوابی اشاره کرد و گفت: «قانون اساسی نظارت را به شورای نگهبان سپرده و تفسیر اصول آن نیز با این شورا است و این شورا، نظارت را استصوابی می‌داند.»

از نظر طرفداران شورای نگهبان چون این شورا که اکثریت قاطع آن برگزیده ولی فقیه است مفسر قانون اساسی است و طبق تفسیر شورای نگهبان، نظارت، استصوابی است، بنابراین مجلس نمی‌تواند اقدام به حذف آن کند و در صورت حذف این نظارت، مجلس خلاف قانون اساسی تصمیم گرفته است. بدین ترتیب یک بار دیگر مشخص می‌شود که

این قانون اساسی جمهوری اسلامی است که این اختیارات فرا قانونی را به ولی فقیه و شورای نگهبان واگذار کرده است.

با این حال بیاییم این فرض محال را در نظر بگیریم که شورای نگهبان با این مصوبه مخالفت نکند، در این صورت این سوال مطرح می‌شود که آیا انتخاباتی که بر اساس این مصوبه مجلس ارتجاع برگزار می‌شود دمکراتیک خواهد بود؟

بر اساس لایحه اصلاح قانون انتخابات که ماده یک آن دیروز به تصویب مجلس ارتجاع رسید، کلیه کاندیداها باید به اصل ولایت فقیه التزام عملی داشته باشند و بنابراین نه فقط هیچ فرد و جریان سیاسی مخالف ولایت فقیه نمی‌تواند در انتخابات رژیم شرکت کند، بلکه حتی کسانی که به نظر شورای نگهبان التزامشان به ولایت فقیه سست می‌باشد، مثل نیروهای ملی-مذهبی پیرامون حکومت که بارها وفاداری و التزام خود را به قانون اساسی اعلام کرده اند، نمی‌توانند در انتخابات رژیم شرکت کنند و بنابراین هیچ انتخاباتی در چارچوب این رژیم نمی‌تواند دمکراتیک باشد. حال اگر اصلاح طلبان قلابی و طرفداران آنان در پیرامون و خارج حکومت می‌خواهند حذف نظارت استصوابی را، که هنوز نه به بار است و نه به دار، شق القمر خود تلقی کنند، این را باید به حساب

عوام فریبی آنان گذاشت که برای مشارکت قانونمند در استبداد مذهبی حاکم و نجات این رژیم به هر خس و خاشاکی متوسل می شوند. واقعیت این است که اساس نظام حاکم بر کشور ما به همانگونه که امروز محمدکاظم انبارلویی، سردبیر روزنامه‌ی رسالت به خبرنگار سیاسی ایسنا گفته، حکومت مذهبی است. محمدکاظم انبارلویی می گوید: «اسلام به عنوان روح اصلی سه شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی است.» بنابراین یک رابطه تنگاتنگ و غیر قابل تفکیک بین دموکراسی و جدایی دین و دولت وجود دارد که با وجود نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه، نه تحقق دموکراسی و انتخابات آزاد و نه تحقق یک جامعه سکولار و پیشرفته میسر است.